

چهارشنبه 18 دی 1398 - 12 جمادی الاول 1441 - 8 ژانویه 2020

مرگ "مظفرالدین شاه قاجار" و جانشینی فرزندش "محمدعلی میرزا" (1285 ش)



مرگ "مظفرالدین شاه قاجار" و جانشینی فرزندش "محمدعلی میرزا" (1285 ش)، مظفرالدین شاه، پنجمین پادشاه سلسله قاجاریه بود که پس از چهل سال ولیعهدی در 44 سالگی به سلطنت رسید. دوران حکومت او برابر با آغاز قیام مشروطه به رهبری روحانیت در اثر ظلم و فساد دربار و فقر و فساد در جامعه بود که در نهایت به پیروزی این نهضت منجر شد و شاه قاجار، فرمان مشروطیت را صادر کرد. از آن پس مقدمات تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی انجام گرفت. ولی اجل به شاه مهلت نداد و وی ده روز پس از امضای قانون اساسی مشروطه، در 18 دی 1285 ش برابر با 24 ذی‌الرمضان 1324 ق در 54 سالگی درگذشت. مظفرالدین شاه در حالی که مردم ایران نیازهای اولیه خود را به سختی تهیه می‌کردند، چندین بار به سفرهای دراز مدت اروپایی رفت و قرض‌ها و وام‌ها و زیاده‌های زیادی گرفت تا هزینه خوشگذرانی‌ها و هزینه‌های خود را تأمین نماید. از این رو، کشور بیش از پیش مقروض خارجی‌ان گردید و حقوق مردم بیشتر از قبل پایمال شد. وی در دوران پادشاهی خود، امتیازات زیادی به بیگانگان اعطا کرد و در مقابل مبلغ ناچیزی، منابع زیرزمینی ایران را برای مدت شصت سال به فرانسویان داد. پس از مظفرالدین شاه، فرزند بزرگش، محمدعلی میرزا، که نواده دختری امیرکبیر بود به پادشاهی رسید و دور تازه‌ای از

استبداد و دیکتاتوری آغاز گشت. حجت‌آیت الله سید محمد بن صادق طباطبایی در سال 1220 ش (1258 ق) در کرمان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و مبای علم را نزد پدر فرا خواند و سپس در تهران از محضر فیلسوف بزرگ زمان، میرزا ابوالحسن جلوه استفاده کرد. از آن پس راهی عتبات گردید تا به مقام اجتهاد نائل آمد و جزو خواص یاران میرزای شیرازی شده، در امور سیاسی، طرف مشورت او قرار گرفت. سید محمد پس از واقعه تحریم تنباکو، از طرف میرزای شیرازی به تهران رفت و به ارشاد و هدایت مردم مشغول شد. پس از چندی، وی دعوت آیت‌الله عبداللّه بهبهانی را برای مبارزه با دولت پذیرفت و در اعتراض به اعمال دولت، به همراه مردم در حرم حضرت عبدالعظیم تحصّن کرد. فعالیت آیت‌الله طباطبایی به مرور وسعت یافت تا جایی که به یکی از رهبران اصلی مشروطیت در ایران تبدیل شد. با روی کار آمدن محمدعلی شاه و به توپ بستن مجلس، مدتی به مشهد رفت و پس از فتح تهران به تهران مراجعت کرد. سید محمد طباطبایی با ورود نیروهای روس و انگلیس به ایران، در جریان جنگ جهانی اول به ترکیه رفت و پس از شش ماه به ایران بازگشت. از آن پس در امور سیاسی دخالت نکرد تا این که در 18 دی ماه 1299 ش برابر با 28 ربیع الثانی 1339 ق در 79 سالگی وفات یافت و در حرم عبدالعظیم به خاک سپرده شد. طباطبایی، اندیشه‌ای آزاد و تفکری اصلاح طلبانه داشت و آشنایی وی با سید جمال الدین اسدآبادی، تأثیری شگرف در شکل‌گیری تفکرات او داشت.

اشغال هویه توسط مذهب‌ان‌بعث، عاقل (1359 ش)، پس از محاصره هویزه توسط دشمن بعث، تعدادی از بسیجیان به فرماندهی سید محمد حسین علم‌الهدی به دفاع برخاسته و به نبردی سخت پرداختند. اما این مقاومت به شهادت این پاسداران جان برکف منتهی شد. در پی این حادثه، نیروهای دشمن در 18 دی 1359 ش وارد هویزه شده و آن را اشغال کردند. پس از آن، فرمانده نیروهای عراقی دستور داد تعدادی از مردم بی‌گناه را دست بسته در یک گودال قرار داده و به شهادت برسانند. سپس عراقی‌ها تمام شهر را با دینامیت و بلدوزر نابود کرده و هویزه را به تلی خاک تبدیل نمودند. تولد "سید محمد تقی مامقانی تبریزی" عالم و ادیب معروف به "حجت الاسلام" (1247 ق) میرزامحمد تقی بن ملامحمد مامقانی مشهور به حجت الاسلام از علما و دانشمندان اوایل قرن چهاردهم هجری در آذربایجان است. در 22 سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف رفت و سپس به تبریز بازگشت. وی شاگردانی تربیت کرد و کتاب‌های نگاشته، آتشکده، الفیه، مفاتیح الغیب و... از جمله آثار اوست. حجت الاسلام تبریزی در نجف اشرف مدفون است.

ولادت آیت الله حاج آقا رحیم ارباب، عالم عظیم الشان حوزه علمیه اصفهان (1297 ق)، در سال 1297 هجری قمری (مصادف با 1259 ش) در قریه "چرمهین" اصفهان و در خانه‌ی آقا رحیم، حاج علی پناه (ارباب حاج آقا) پسری چشم به جهان گشود که نام او را «رحیم» برگزیدند. پدر آقا رحیم، حاج علی پناه، مشهور به ارباب حاج آقا (فرزند عبداللّه مشهور به ارباب آقا) فرزند حاج علی پناه فرزند ملاعبدالله شیرانی بود. اجداد آقا رحیم ارباب از اعیان دهاقین و مشاهیر نجبا و بزرگان قریه‌ی "چرمهین" از قرای معروف روستای لنجان اصفهان و صاحب مال و ثروت بودند و بدین‌سبب، به لقب «ارباب» خوانده می‌شود. آقا رحیم در خانواده‌ای رشد کرد که افرادی باسواد، اهل شعر و ادب و تاریخ بودند. پدر ایشان در شعر، تخلص «لنگر» داشت و سال‌ها با عمان سامانی و دهقان سامانی و ملامحمد همایی و دیگر شعرای معاصرش، جلسات شعر داشت. آقا رحیم نیز بیش از اشعار فارسی حافظ و مولانا و شعرای عرب را که حفظ داشت، از دوری خود و از طریق شنیدن از زبان پدر و عمویش بوده است. آقا رحیم ارباب، بزرگ‌ترین فرزند خانواده اش بود. وی دو برادر و یک خواهر داشت. یکی از برادرانش،

رفتند، حتی برای سفرهای زیارتی عتبات مقدس کربلا، نجف، مشهد و حج هم همان یک حج واجب را ایشان رفتند. ایشان درس را تعطیل نمی کردند و در احیای حوزه و تربیت شاگردانی که هرکدام از علمای این شهر (اصفهان) هستند، نهایت جدیت و کوشش را می نمودند.» آیت‌الله ارباب در سال ۱۳۲۰ جواهر و شرح تجرید علامه را در مسجد حکیم تدریس می کرد. وی معتقد بود «تنها تدریس کافی نیست، علما و مجتهدین بر اریکه‌ی رلم؛ منبر بنشینند و به بیان مسائل شرعی و اخلاقیات برای مردم بپردازند.» یکی از شاگردان وی می گوید: «در زمینه‌ی رلم؛ فلسفه، در حد اعلی بودند و به «حکیم» شهرت داشتند.» آیت‌الله ارباب از آخرین فروغ های فلسفه در اصفهان بود. وی مدت ها درس فلسفه می گفت، لکن بعداً تبدیل کرد به کلام. مانند «شرح تجرید» و هنگامی که به وی پیشنهاد می شود که شرح منظومه تدریس کند، قبول نمی کند و می فرماید: «حاضر شرایع‌الاسلام (فقه) بگویم.» «حکمت ایشان، متمایل به حکمت مشاء و حرف های ملاصدرا بود؛ به مطالب صدرالمتألهین خیلی اهمیت می دادند. هر وقت حرف از حکمت بود، معمولاً سخنان ملاصدرا یا محی‌الدین عربی اندلسی را مطرح می فرمودند، زیرا این‌رلم؛ ها استوانه های علمی ایشان بودند در حکمت و عرفان.» حاج آقا رحیم ارباب سه سال آخر عمر خود را به‌رلم؛ علت کوتاهی یک پرستار پس از عمل جراحی چشمانش، نابینا بود. معظم‌رلم؛ له به تاریخ هجدهم ذی الحجه ۱۳۹۶ رلم؛ (برابر با نوزدهم آذرماه ۱۳۵۵ش) و در روز عید غدیر چشم از جهان فرو بست. قبر مبارکش در گورستان تخت فولاد اصفهان، حوالی تکیه‌رلم؛ ملک در گلستان شهدا قرار دارد.